



بهرام هوشیار یوسفی، دانشیار دانشگاه اسکوდე سوند

یحتمل بهره‌گیری از ترکیب توصیفی «طراحی شهری پایدار اسلامی» تازگی دارد و بالطبع نگارنده، در جایگاه مطرح‌کننده آن، توقع دارد از جانب اصحاب دانش و حرفه مورد مذاقه قرار گیرد. البته زمانی (قریب ۲۰ سال پیش) شورای عالی شهرسازی و معماری وقت ایران تصویب و مقرر کرد حوزه معاونت شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی مطالعه مستمر درباره شهرها و معماری اسلامی گذشته و حال ایران و جهان را به منظور دسترسی به اصول و ارزش‌های حاکم بر ساختار آنها و تطبیق این اصول با دانش نوین بشری و دستیابی به ارزش‌ها و اصول طراحی جدید شهری و معماری به انجام رساند و در همان سال (۱۳۷۵) اصول و ضوابط طراحی شهری و همچنین اصول ضوابط معماری ساخت‌وساز بناها را براساس معیارها و ارزش‌های اسلامی با هدف رشد و اعتلای طراحی شهری و معماری اسلامی و ایرانی تهیه کند و به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران برسد... موضوع هرگز (به اعتقاد ناظران) بازنمودی در‌خود در تولید فضاهایی ایرانی/اسلامی نیافت. حدود پنج سال پیش [مجلس هشتم] نمایندگان مجلس، در حالی شورای عالی شهرسازی و معماری را موظف به تدوین ضوابط و مقررات و ترویج الگوهای معماری و شهرسازی اسلامی ایرانی کردند که با پیشنهاد نیره اخوان بیطرف، نماینده اصولگرای اصفهان، مبنی بر بازگشت ماده ۱۵۲ لایحه برنامه که در کمیسیون تلفیق حذف شده با ۳۸ رأی موافق، ۷۳ رأی مخالف و ۲۲ رأی ممتنع از مجموع ۲۰۵ نماینده حاضر در صحن مخالفت کردند. در ماده ۱۵۲ لایحه برنامه آمده بود: «کلیه مالکان و سازندگان موظفند نسبت به رعایت اصول معماری ایرانی/اسلامی در طراحی و ساخت نمای ساختمان‌های خود براساس ضوابط و مقرراتی که تا پایان سال دوم برنامه پنجم به تصویب شورای معماری ایرانی / اسلامی می‌رسد اقدام نمایند». در تبصره این ماده نیز آمده بود: «در صورت عدم رعایت ضوابط و مقررات موضوع این ماده، شهرداری(ن) مکلف است هزینه متخلف نسبت به اصلاح نمای ساختمان اقدام و مطالبات را طبق مقررات شهرداری وصول نماید...». مجلس وقت شورای عالی شهرسازی و معماری را موظف کرد به منظور تدوین و ترویج الگوهای معماری و شهرسازی اسلامی – ایرانی، با تشکیل کارگروهی مرکب از نمایندگان دستگاه‌های ذی‌ربط و صاحب‌نظران و متخصصان رشته‌های معماری، شهرسازی و حوزوی نسبت به انجام پژوهش‌های کاربردی، سیاست‌گذاری، تدوین ضوابط و مقررات و ترویج الگوهای مورد نظر اقدام کند.

براساس تبصره یک این ماده نیز آمده است، مصوبات شورای فوق برای کلیه دستگاه‌های اجرائی، شورا‌های اسلامی شهر و روستا و کلیه مالکان و سازندگان لازم‌الاجراست. همچنین در تبصره ۲ این ماده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سایر دستگاه‌های آموزشی موظف شدند، براساس توصیه‌های شورای عالی شهرسازی و معماری نسبت به بازنگری سرفصل‌ها و محتوای دروس مربوطه اقدام نمایند. همچنین مقرر شد ضوابط و تهیه طرح‌های مناسب‌سازی ساختمان‌ها و فضاهای شهری و روستایی برای معلولین جسمی/حرکتی بررسی و تدوین شود...

واقعیت این است که گروهی ذی‌نفوذ از معماران و نظریه‌پردازان معماری کشور چندان علاقه‌ای به مطرح‌شدن بحث‌های هویتی در جایگاه معماری ایرانی/اسلامی را ندارند؛ شاید نظر «داراب دبیا»، مدرس و متفکر معماری، به نوعی گویای رویکرد وجهی شبه‌روشنفکری در این وادی باشد. وی در گفت‌وگویی که چند سال پیش با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) داشت، با تأکید بر غیرعملی‌بودن معماری اسلامی، معتقد بود: «...امروز به‌جای معماری اسلامی می‌توانیم بگوییم معماری معاصر جوامع مسلمان یا معماری کشورهای اسلامی ولی آوردن قید اسلامی به معماری حالت سیاسی و تاریخی به این مقوله می‌دهد...». به اعتقاد دبیا، به‌روز‌شدن تقریباً غیرممکن... چه‌بسا استفاده از قید «سیاسی» از سوی این نظریه‌پرداز خود گویای نحوه نزدیک‌شدن همگنان او به موضوع باشد! آنچنان که دکتر حسن بلخاری، از اندیشمندان حوزه هنر اسلامی، نیز در انتقاد به رویکردهای اخیر به معماری اسلامی (در مصاحبه‌ای با نگارنده) خاطرنشان کردند که حتی «مساجد در حال فاصله‌گرفتن از معماری اسلامی» هستند. دشوار است



عطا چوخالچیان*

واژه هویت در مقیاس‌های متفاوتی قابل بررسی و تفضیل است. در مقیاس فردی، هر فرد تعبیر و تعریفش از هویت می‌تواند متفاوت با دیگری باشد. یکی از صفات خاص و قابل ذکر انسان که وی را از گونه‌های دیگر موجودات متمایز می‌کند، قابلیت خودآگاهی و خودباوری اوست. سه کلمه هویت، خویشن و شخصیت به‌گونه‌ای در ارتباط و گاه در مقابل هم قرار می‌گیرند. هویت شاخصه‌ای از شخصیت فرد است که خویشن او را متمایز می‌کند. اگر دایره تحت پوشش را به بیساط یک جامعه یا یک ملت برسانیم شاید بتوانیم هم‌پوشانی‌هایی برای بیساط دادن در موضوع هویت پیدا کنیم. در این مقیاس می‌توان از واژه هویت ملی سخن به میان آورد؛ واژه‌ای که حداقل جامعه معماری خواه‌ناخواه به گوششان خورده است؛ به‌ویژه زمانی که پای پروژه‌هایی در میان باشد که نمود و مصداق ایرانی‌بودنشان بیش از هر پارامتر دیگری به چشم بیاید، مانند طراحی پاولیون‌ها، سفارت‌خانه‌ها، غرفه‌ها یا هر فضایی که نیازمند آن باشد تا در قالب هویت، به مکانی برای انعکاس اصالت و فرهنگ یک ملت تبدیل شود. بدیهی است پیش‌نیاز خلق یک اثر، شناخت کامل و عمیق از ریشه‌ها و اصول موجود در کالبد آن اثر است. همان‌گونه که در هنر مجسمه‌سازی گفته می‌شود، اثری که از دل سنگ بیرون کشیده می‌شود درواقع در کالبد و بدن سنگ موجود است تنها کاری که انجام می‌شود تراشیدن و نمایش حجم حاضر است که این نیازمند نگرشی متفاوت و پیش‌زمینه‌ای غنی است. بنابراین هویت افشانه‌ای نامرئی نیست که بتوان آن را بر تنه هر اثری پاشید و آن را به‌عنوان نماینده یک جامعه به نمایش گذاشت. مهم‌تر اینکه هویت یک فرایند است، نه یک مؤلفه ثابت و مشخص. به مثابه قطاری که از سوی تمدن رها شده و در طول تاریخ در حال حرکت است. این قطار همان فرهنگ یا هویت مربوط به همان تمدن است، اگر هویت را یک فرایند به حساب بیاوریم،

در جست‌وجوی یک الگوی خودی در معماری و طراحی شهری

روایت بلوغی هویت‌مدار



نپذیریم جریان‌هایی شبه‌روشنفکر در کشور چندان موافق نگاه ایرانی/اسلامی به معماری حتی در عرصه‌هایی مانند معماری مساجد، نیستند و چالشی بین رویکرد اصولگر/هویت‌گرا و رویکرد شبه‌روشنفکر در جریان نیست.

اخیرا مفهومی راهبردی با عنوان «سبک زندگی اسلامی» مطرح شده است. نگارنده در ارائه راهکار مایل است با مطرح‌کردن تصویری بزرگ‌تر در قالب طراحی شهری، از پیر کل‌تورپ، از نظریه‌پردازان کاربرد مفاهیم اکولوژیکی در طراحی شهری، نقل‌قولی را وام گیرد: «طراحی شهری چیزی فراتر از پرداختن به زیبایی‌شناسی محیطی یا استقرار هنرمندانه آن است. طراحی شهری با خلق و نگاهداری مکان‌های شهری‌ای سروکار دارد که در آن پاسخ‌های مناسب به مسائل اکولوژیک، رفاه اقتصادی و زندگی جمعی با یکدیگر تلفیق شده باشند...». واقعیت این است که دیدگاه مدیران (اغلب میانی) نسبت به جلب مشارکت واقعی شهروندان و همچنین گرایش‌های شهروندان نسبت به مشارکت، نیاز به ارتقای کیفی دارد. در تمامی الگوهای موجود، سطوح بالاتر مشارکت، نشان از توزیع واقعی‌تر قدرت دارد و در

دیدگاه مدیران (اغلب میانی) نسبت به جلب مشارکت واقعی شهروندان و همچنین گرایش‌های شهروندان نسبت به مشارکت، نیاز به ارتقای کیفی دارد. در تمامی الگوهای موجود، سطوح بالاتر مشارکت، نشان از توزیع واقعی‌تر قدرت دارد و در سطوح پایین، مشارکت در بسیاری موارد فقط نمایشی از باور به مشارکت است که در عمل هیچ نقشی را برای شهروندان قائل نمی‌شود

سطوح پایین، مشارکت در بسیاری موارد فقط نمایشی از باور به مشارکت است که در عمل هیچ نقشی را برای شهروندان قائل نمی‌شود و تصمیمات مربوط به مسائل آنان و محیط‌زیست‌شان بدون دخالت آنان اتخاذ می‌شود و در نتیجه انگیزه‌ای را نیز برای مشارکت شهروندان در مراحل بعدی اجرا و ارزیابی باقی نمی‌گذارد.

در اینجا این پرسش اساسی مطرح می‌شود: آیا ساختار مدیریت شهری و حکمرانی شهری مورد عمل، ویژگی‌های حکمرانی شهری مطلوب (متعالی، مؤثر و کارآمد، شفاف، پاسخ‌گو، مشارکتی، توافقی‌گرا، عادلانه و قانون‌مدار) را داراست تا در انتظار ارتقای فرهنگ شهری و مشارکت آگاهانه و فعالانه شهروندان باشد؟ در اصل یک‌صدم قانون اساسی بر نقش مشارکت مستقیم مردم همراه با نظارت شوراها جهت پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی تأکید شده است. چه‌بسا بتوان با ارتقای بحث مفاهیم اکولوژیک به مرحله‌ای

جامعه، معماری، تعلق

در این صورت به یکباره نمی‌توان هویت را ایجاد کرد بلکه هویت ما زاینده‌ای از تنش‌هایی است که در طول زمان در مقابله با مجموعه‌ای از ارزش‌ها به وجود می‌آید و این فرایند آنی نیست و درنهایت هویت یک فرایند ناخودآگاه است. نظریه‌پردازانی هستند که هویت را به‌عنوان امانتی که ما از پیشینیان گرفته‌ایم بازگو می‌کنند. اما این پایان کار نیست و یک قدم جلوتر افرادی هستند که به هویت رویکردی آینده‌نگرانه دارند و آن را سعادت و رفاه امروز و جاه‌طلبی برای آینده معنی می‌کنند. از میان این تعاریف و رویکردها آنچه واضح است این است که هویت مفهومی کثرت‌گرا، سیال و ناپایدار دارد و همواره در ارتباط تنگاتنگ با گزیده‌ای از تجسمات و تفکرات افراد است که این ارتباطات باعث پویایی، تولید و نشئت‌گرفتن این‌گونه مفاهیم و تعاریف گوناگون و گاه متناقض از هویت می‌شوند. در ادامه، این رویکرد به هویت، مجالی هست تا به تعریف و طبقه‌بندی‌های به‌روزتری از آن نیز بپردازیم که در میان آنها می‌توان این‌گونه استنباط کرد که هویت به‌عنوان مبدائی برای حسّ تعلق است. وسیله‌ای است برای اینکه مردم بتوانند خود را به‌عنوان عضوی از جامعه یا گروه جای دهند و جایگاه خود را در اجتماع تبیین کنند. هویت‌ها مجرد نیستند، ثابت نیز نیستند. الگوی جدید در رشد جمعیت، پیشرفت در حمل‌ونقل و یافته‌های نو در عرصه ارتباطات، حلقه‌های سستی بین سکونت و هویت را از هم گسسته‌تر کرده است. حرکت و دگردیسی از ارتباط فیزیکی در جوامع اجتماعی به سمت ارتباطات مجازی و اطلاعاتی در قالب شبکه‌های اجتماعی که اغلب زودگذر و موقتی هستند در حال شکل‌گیری است. درحال حاضر هرگونه پژوهش در تحقیق درباره هویت معماری و شهرسازی، در صورتی که در قالب و زمینه تغییرات جهانی و آینده‌نگرانه دیده نشود، کاری بیهوده خواهد بود. همچنین به هویت خود را با شناخت خود و کندوکاو در محیط پیدا می‌کند و این شناخت، فرایندی زمان‌بر است. پس هرگونه شتاب یا راه میانبر در جهت تسریع در شناخت این پروسه یا تولید هویت می‌تواند برای جامعه و بشریت خطرناک باشد. این میانبر می‌تواند مانند یک نشانه یا سمبل در اثر معماری نمایان شود.

یکی دیگر از ذهنیت‌ها و نگرش‌های غیرمعمول به هویت این است

معماری

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

من مثل دوستان دیگر از این که ممنوع‌الکار هستم و این خودش نوعی محبوبیت به همراه می‌آورد، سوءاستفاده نکردم. چهار سال است که درگیر ممنوع‌الکاری هستم، در این مدت یک ماه ممنوع‌الکار نیستم، در آلبوم محمدرضا عیوضی اسسم می‌آید، بعد دوباره در یک تک‌آهنگ حامی، اسسم نمی‌آید. این قانون وجود دارد که وقتی کسی ممنوع‌الکار است، باید ترانه‌هایش از یک آلبوم دربیاید ولی همه آلبوم امیر کریمی با ترانه‌های من است. سال گذشته اجازه دادند بدون درج اسم من آلبوم منتشر شود.

بعضی‌ها هم با اسامی دیگر کارهایشان را منتشر می‌کنند.

بعضی از خواننده‌ها، ترانه‌ها را به اسم خواهرم نازنین منتشر کردند اما بعد از چند ماه ایشان هم ممنوع‌الکار شدند. من سرزمین و ساختار فرهنگی و اجتماعی‌اش را بسیار دوست دارم. این همه هنرمند که به شکوفایی و بالندگی رسیده‌اند، در دل این ساختار فرهنگی بوده است. درست است کاستی‌هایی وجود دارد، اما دو جایزه اسکار و جایزه کن و موفقیت و درخشش در موسیقی، ادبیات، سینما، نقاشی، رمان نویسی و سایر شاخه‌ها از همین ساختار منتج شده است. چون به سرزمینم علاقه دارم، ترانه‌ای که می‌نویسم در راستای این علاقه است. آن‌چه در بسیاری از این ترانه‌ها آورده‌ام، همتها در تعارض با سرزمینم نیست، بلکه زخم سرزمینم را مطرح می‌کند. پس باید خوشحال باشم. خواننده‌هایی که یک عمر ترانه‌هایی می‌خوانند که با یک‌سری ذهنیت‌ها تعارض داشت. الان دارند حرف ما را می‌زنند. مردم سرزمینشان را دوست دارند که میلیونی در انتخاباتشان شرکت می‌کنند. این پیامی است که خیلی‌ها را ناراحت می‌کند. به‌همین‌خاطر است که رسانه‌های برجسته خارج از کشور، این‌قدر با ما دشمن هستند. اگر خبری از ما پخش می‌کنند، به علت دشمنی است، چون می‌دانند اگر خبر فلان کنسرت را پخش کنند، جلوی آن گرفته می‌شود. جامعه همیشه ما را دوست دارد اما یک‌سری از دوستانی که می‌دانند مثلا در حمل‌ونقل، فرارگاه‌های رفکاری، سازگاری فعالیت، زمان و فضا ... و... عملا در خدمت مفاهیم اعتقادی شهروندان نیز خواهند بود و نهایتا مقولات نظارتی و اعمال آن در قالب تشکیل و نهادهایش‌نند سازمان‌ها و اداراتی تحت لوای «منظر شهری پایدار اسلامی» در تمام شهرها تجلی خواهد یافت؛ رویکردی نو که مستلزم بلوغی متعالی در عرصه هویت‌مداری در روند غالب معماری و طراحی شهری در کشور خواهد بود.

فضاهای شهری تماس مستقیم با زندگی روزمره شهروندان دارند و بیش از سایر فضاها بر زندگی جمعی و فرهنگ آنان تأثیر می‌گذارد... فضاهای شهری عرصه کفتمان متقابل انسان‌هاست و بسستر روایت زندگی جمعی؛ فضاهایی که همه مردم حق دارند در آن حضور یابند و به فعالیت بپردازند. در حقیقت می‌توان میزان موفقیت یک فضای شهری را (که معماری هم بخشی از آن است) با میزان استفاده از آن فضا و حضور انسان‌ها در آن مورد سنجش قرار داد.

اینجاست که معماری و شهرسازی نقشی اساسی در افزایش تعاملات اجتماعی و هم‌سنگی انسان‌ها ایفا می‌کنند. طراحی برای مردم و در جهت رفع تمامی نیازهای اجتماعی آنان، محیط ساخته‌شده را از قابلیت تأمین تعامل اجتماعی بر‌خوردار خواهد کرد. در یک جمع‌بندی اگر بپذیریم که در تعاریف متداول، کیفیت فضا دارای سه مؤلفه عملکردی، تجربی /زیبایی‌شناختی و زیست‌محیطی باشد، در نگاه منوط به «طراحی شهری پایدار اسلامی»، دستیابی به درجه قابل قبول کیفیت فضا، مستلزم ارتقای متناسب هر سه مؤلفه در سازوکار معنایی و عملکردی با یکدیگر با بهره‌گیری از اصول منتج از «سبک زندگی اسلامی» بوده، به‌این‌ترتیب پرداختن به مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی در کنار سازگاری فرم شهر با کاربری‌ها، شبکه‌های جابه‌جایی و حمل‌ونقل، فرارگاه‌های رفکاری، سازگاری فعالیت، زمان و فضا ... و... عملا در خدمت مفاهیم اعتقادی شهروندان نیز خواهند بود و نهایتا مقولات نظارتی و اعمال آن در قالب تشکیل و نهادهایش‌نند سازمان‌ها و اداراتی تحت لوای «منظر شهری پایدار اسلامی» در تمام شهرها تجلی خواهد یافت؛ رویکردی نو که مستلزم بلوغی متعالی در عرصه هویت‌مداری در روند غالب معماری و طراحی شهری در کشور خواهد بود.

که مفهوم هویت همیشه و در هر زمانی در گذشته جست‌وجو شده است و این ذهنیت ناخودآگاه امکان ایجاد یا تصور مفهوم هویت در حال و آینده را غیرممکن می‌کند. در دنیای کنونی که همه‌چیز در حال گذر و تغییر است این‌گونه مفاهیم نیز مانند هویت، فرهنگ و باورهایی از این قبیل که ریشه در گذشته و پیشینه اتفاقات و داشته‌های ما دارند، نیز باید از این تغییر مستثنا نباشند. عوامل مؤثر در ایجاد هویت مکانی در بناهای یک شهر را می‌توان در اقلیم، اجتماع، تیپوگرافی و اقتصاد آن منطقه به تصویر کشید. این در حالی است که در معماری امروز جدالی که بین سنتی یا مدرن‌بودن بناها مطرح می‌شود باعث کمرنگ‌شدن موارد گفته‌شده هستند. به عبارت دیگر عوامل مؤثر و تأثیرگذار معماری که تأثیر مستقیم بر هویت بنا از طریق اجتماع را دارند، در پشت تصویری از سنت یا مدرنیته پنهان شده‌اند.

سؤالی که اینجا مطرح است، این است که چگونه و چه زمانی خواهیم توانست معماری مدرن و مناسب برای جامعه، اقلیم و میراث خود داشته باشیم؟ چگونه می‌توانیم رویکرد امروزی و مدرن معماری را حفظ کرده و درعین‌حال به پیشینیان نیز وفادار باشیم؟ چگونه می‌توانیم گذشته و تمدن خود را زنده نگه داشته و هم‌زمان، بخشی از تمدن رو به رشد جهان باشیم؟ این سؤالات و نمونه‌های مشابه آنها ازسوی پژوهشگران متعددی در عرصه معماری مطرح شده‌اند و بدیهی است که جواب واحدی وجود نخواهد داشت اما می‌توانند مسبب چالش و نگاهی دوباره و متفاوت به مقوله هویت را در پی داشته باشند. متأسفانه در نمونه‌های معماری امروز شاهد پدیده کلّاز هستیم. در این فرایند ایده به شکل حجمی از نمونه‌های مشابه خارجی بریده شده و با همان منطق در طراحی‌ها چسبانه می‌شوند. با این تصور که انتقال ایده انجام شده و نتیجه نیز به همان اندازه‌ای که ایده از آن به سرعت رفته است، موفق و کارآمد خواهد بود! مانند نمونه‌هایی که در دویی به وسیله شهرسازان و معماران برجسته غربی بر پایه تئوری‌های شهرسازی آن زمان طراحی شده‌اند اما غافل از اینکه عنصر دیگری تحت عنوان شاخصه‌های هویتی و فرهنگی جا مانده است.

« پژوهشگر و دکترای تکنولوژی معماری دانشگاه تکنیک مونبخ

ادامه از صفحه ۱۱

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

معماری به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر و مهندسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود. این رشته به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های مهندسی و هنر، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در ساخت‌وساز شناخته می‌شود.

</